

توضیح درباره مقاله شکسته‌نویسی گفتار دراماتیک

علی صلح‌جو

آقای محمد شهباز در مقاله «شکسته‌نویسی گفتار دراماتیک» (فصلنامه مترجم، ش ۷۷، بهار ۱۴۰۱) کاشفانه از «خوانندگان محترم» خواسته‌اند ادعای بنده را درباره شکسته‌نویسی در گفت‌وگوهای داستانی بیازمایند:

علی صلح‌جو در پایان کتاب ارزشمند اصول شکسته‌نویسی زحمت کشیده‌اند و نمونه‌هایی از گفت‌وگو در ادبیات داستانی ایران را آورده‌اند. بد نیست خوانندگان محترم این نمونه‌ها را به صورت اجرای بر صحنه تئاتر یا صحنه‌ای در فیلم تجسم (یا بازنویسی و بازخوانی) کنند تا ببینند آیا قاعده «فقط واژه‌هایی را می‌توان در گفت‌وگوهای داستانی شکسته نوشت که صورت گفتاری‌شان، در مقایسه با صورت نوشتاری، هجای کمتری داشته باشد» (صلح‌جو، ۱۳۹۳: ۸ و ۹) همیشه مصداق دارد یا خیر.

من در هیچ جای کتابم نگفته‌ام که قاعده مذکور درباره «اجرای بر صحنه تئاتر یا صحنه‌ای در فیلم» صادق است. در واقع اینجا قیاس مع الفارق شده است. این همان آفت نگاه به پدیده‌ها صرفاً از حوزه تخصصی است. از آنجاکه حوزه تخصص آقای شهباز اساساً مسائل زیبایی‌شناسی دراماتیک است، نوشته مرا ناظر به آن حوزه پنداشته‌اند. اتفاقاً منوچهر انور نیز در مقدمه مفصل عروسکخانه این دو موضوع را قدری خلط کرده است، و من در مقاله «بشکنیم یا نشکنیم» (فصلنامه مترجم، ش ۴۵، ۱۳۸۶) به آن اشاره کرده‌ام. در آن مقاله آورده‌ام، «... هر دو بلور ماهری خود می‌داند کجا باید کلمه را بشکند...» (ص ۱۳). انور در مقدمه عروسکخانه می‌نویسد، «خواننده یا بازیگری که نت‌نویسی‌های مترجم به مذاقش خوش نیاید بد نیست عبارت‌های نشکسته آماده به هزوارش را در بالای اجزای شکسته جمله‌ها بازنویسی کند و به صرافت طبع دوباره آنها را در دهان بشکند» (ص ۱۶۹). و من در مقاله مذکور آورده‌ام، «به نظر می‌رسد انور، که در متن خوانی و رعایت زیروبم بیان استاد است، بر این گمان است که همه متن‌ها به‌منظور پخش شدن از رسانه‌ای شفاهی نوشته

می‌شوند. نگرانی بیش از حد ایشان برای نادرست اداشدن کلمات و آهنگ جمله‌ها باید مبتنی بر همین فرض باشد که البته درست نیست. متن منتشر می‌شود تا خوانندگان آن را بخوانند و فرض بر این است که خواننده بومی زبانِ فرهیخته خود می‌داند که فراز و فرود آهنگ جمله را چگونه سامان دهد» (ص ۱۸). و در ادامه، «هر زبان‌شناس فارسی‌زبانی تأیید می‌کند که تأکیدات و فراز و فرودهای بیانی انور در اوج است. اما ایشان مسلماً این قابلیت را از راه مکتوب پیدا نکرده‌اند. این قابلیت از راه گوش و شنیدن حاصل می‌شود نه با سوارکردن علائم فونتیکی روی کلمات» (ص ۱۸). ❁